

«مردم» در قاب دوربین آنتوان خان

روزمره‌های تاریخ

حسین غیاسوند | پژوهشگر

امروز برسازند. در عکس‌های مردمی سوروگین، رنج و درد مردمان جامعه آن روزگار، خود را می‌نمایاند؛ اگر آن‌ها را در کنار دیگر آثار او از دربار و طبقات مرفه قرار دهیم اوج فاصله طبقاتی مشهود می‌شود. مردم

تنوع در سوز عکس‌هایش از دربار سلطنتی، حرم‌سراها، مسجدها، بناهای یادبود ادیان و نیز نگاه دقیق‌اش به زندگی توده مردم است. حدود ۵ هزار نگاتیو از شمند و نفیس از کارهای سوروگین در سال ۱۲۸۷ خورشیدی بر اثر انفجار و آتش‌سوزی عکاسخانه‌اش از میان رفت و تنها ۲ هزار شیشه نگاتیو سالم ماند. این ۲ هزار نگاتیو نیز تا سال‌ها توسط دولت پهلوی توقیف ماند. آنتوان سوروگین در سال ۱۳۱۲ در ۹۳ سالگی بر اثر عفونت کلیه درگذشت و در دروازه دلاب تهران به خاک سپرده شد. «مردم و زندگی ایرانی» مهم‌ترین سوز عکس‌های سوروگین است. آثار سوروگین آینه در واقع تمام‌نمای جامعه ایران عصر قاجار به شمار می‌آید. به بیانی دیگر جامعه ایران عصر قاجار در قاب دوربین سوروگین به درستی نقش بسته است. آنتوان به خوبی توانسته است، احساس، نیاز و وضعیت مردم قاجار را به مخاطبان

ایران دوره قاجار در موسسه اسمیت‌سونین آمریکا نگهداری می‌شود. این عکس‌ها در حقیقت جدا از ارزش زیبایی‌شناختی، هر یک سندی تاریخی از زندگی ایرانی در دوره قاجار برشمرده می‌شوند. تنوع، تضاد و تفاوت‌ها در عکس‌های آنتوان خان، کمکی شایان به پژوهشگران این دوره تاریخی می‌کند. موسسه اسمیت‌سونین (Smithsonian Institution)، مجموعه موزه‌های خیره در واشنگتن دی‌سی آمریکا است که بیش از ۱۲۸ میلیون نمونه علمی و یادگار فرهنگی از کشورهای گوناگون در آن نگهداری می‌شود. ۱۹ موزه جهانی و ۱۵۶ موزه در سراسر آمریکا، یک باغ وحش، ۹ مرکز تحقیقاتی و ۱۲ باغ عمومی وابسته به این مؤسسه فعالیت می‌کنند. مجموعه نگاتیوهای آنتوان سوروگین در موسسه اسمیت‌سونین به ترتیب زیر طبقه‌بندی شده است:



دسته‌ای از آدم‌ها و حیوانات بیرون کاوان سراسرا



دسته‌ای از مردان



انجام کار میدان عمومی



بازار و مردمی ایوان مشرف به بازار آد حسین در قزوین



خیابان چراغ‌کاف در تهران



دسته‌ای از مردان در اصفهان



زندان و زندانیان



سهمه در حال مطالعه



نقارخانه



خود در حال شستن لباس‌هایشان در یک صخره

پزشکی در شهرهای بزرگ ایران در سده‌های چهارم و پنجم هجری وجه وضعیت داشته است

در محفل رازی و ابن سینا

را که به طب ملک هم شهرت داشت، برای عضالدوله آن چنین می‌نویسد «به مگس و پشه‌هایی چون گرگ خونخوار گرفتارند. گویی نام گرگان نیز از آن گرفته شده باشند». وی درباره امل نیز از «ناراحت‌کننده» بودن پشه‌ها یاد می‌کند.

از سده دوم هجری به بعد، هنگامی که مسلمانان با علوم یونان آشنا شدند کار ترجمه کتاب‌های جالینوس و بقراط و دیگران بالا گرفت و سپس علم پزشکی فراوانی مبدول داشت و در راه کسب علم بسیار کوشید، حنین بن اسحاق بود وی در زمینه چشم‌پزشکی مقامی شاخص به دست آورد. ابن‌اصیبه شرح تلاش‌های وی را در کتاب خویش آورده است. در زمان آل بویه دانش پزشکی گسترش یافت و علمی بن عباس اهوازی معروف به مجوسی کتاب کامل‌الصناعه

هر روز باید سر و صورت خود را با کیفیت‌ترین و نجس‌ترین و آلوده‌ترین آب شستشو بدهند». او آنگاه بیان می‌کند چگونه همه روسیان یک خانه دست و صورت موی سر و دهان و بینی خود را در یک لگن آب می‌شستند. ایرانیان آنگونه که منابع تاریخی روایت می‌کنند، در آن زمان بر خلاف روسیان به بهداشت توجهی بیش‌تر نداشته‌اند. با این همه گزارش‌هایی که درباره شهرهای گوناگون در دست است، نشان می‌دهد بهداشت محیط آنچنان نبوده است که امکان سالم‌زیستن مردم را فراهم آورد. برای مثال به گفته‌ی تعالی «از خصوصیات شهر اهواز تب‌دایم و لازم مردم آن است، این تب غریبا می‌کشد. از قبایله‌های اهواز نقل شده که چون طفل تازه به دنیا آمده را بوسه‌دهند احساس کرده‌اند که او تب دارد. در اهواز چه در پسرچه‌ها و چه دخترچه‌ها گونه قرمز و شاداب دیده نمی‌شود، در کوه‌های مشرف به سوق‌الاهواز آفتی و در خانه‌ها عرق جگره فراوان است. در پشت شهر اهواز باتلاق‌ها و گنداب‌هایی است که آبی غلیظ در آنها جریان دارد و نهرهایی است که فاضلاب‌های مستراح‌ها و آب باران و آب دستشویی به آن‌ها می‌رسد. همین هاست که هوای فاسدی به وجود می‌آورد که هر چیزی را فاسد می‌سازد».

دکتر سیدمحمدحسین منظورالاجداد - تاریخ پژوه

تاریخ پژوه، آندگی شهری پیشینه‌ای دراز در ایران دارد. یورش به سرزمین‌های ایران با وجود وقفه‌های کوتاه که در مسیر پیشرفت طبیعی و آبادانی شهرها پدید آورد، پس از خود پس از چندی شهرهایی از دست‌نبرد آورد. پس از فروکش موج فتوحات و پس از استقرار حکومت‌های نیمه‌مستقل و مستقل در ایران، شهر و شهرنشینی گسترشی بیش‌تر یافت. تمدن ایرانی-اسلامی در سده‌های چهارم و پنجم هجری به شکوفایی می‌رسد. جغرافیدانان مسلمان درباره شهرهای ایران در آن زمانه کتاب‌هایی بسیار نگاشتند. در این منابع تاریخی اما شیوه رویارویی مردمان با مسائل و مشکلات شهری توجهی شایسته نشده است. به عنوان نمونه چندان توصیف نشده است که در حوزه پزشکی، چه بیماری‌هایی در شهرها وجود داشته، پزشکان چگونه آموزش می‌دیده و چگونه عمل می‌کردند. با این وجود و نیز تعداد قابل توجه منابع تاریخی اما گزارش‌هایی اندک درباره وضع پزشکی شهرهای ایران در سده‌های یادشده در دست داریم.

افعی‌های اهواز در سده‌های میانه ایران این فغان، که در سده چهارم هجری به مناطق شمالی دریای خزر سفر کرد، در سفرنامه خود درباره رعایت بهداشت از سوی مردم روس نوشته است «آنان

زرد تخم مرغ شروع می‌کردند، سپس به درمان با غذاهای دارویی مانند کاه و شلغم می‌پرداختند. آنگاه به داروهای غذایی همانند نعناع، کاسنی و آوروی می‌آوردند و سرانجام داروهای مفرد و نیز داروهای مرکب‌ابه‌کار می‌گرفتند.

این روش، از جمله درمان‌های آن روزگار بوده است. ابن‌اخوه درباره شرایط فساد یا حجام مطالبی نگاشته است. به نوشته وی، فساد باید «به دانش و امانت معروف باشد». و ده گروه را نباید بدون مشورت با پزشک فصد کرد. از آن جمله‌اند کسانی که بدن سخت لاغر، بدن خشک یا بدن سفیدست دارند. به باور وی «حجامت بسیار سودمند و خطر آن از رگ‌زدن کمتر است».

از سده دوم هجری به بعد، هنگامی که مسلمانان با علوم یونان آشنا شدند کار ترجمه کتاب‌های جالینوس و بقراط و دیگران بالا گرفت و سپس علم پزشکی فراوانی مبدول داشت و در راه کسب علم بسیار کوشید، حنین بن اسحاق بود وی در زمینه چشم‌پزشکی مقامی شاخص به دست آورد. ابن‌اصیبه شرح تلاش‌های وی را در کتاب خویش آورده است. در زمان آل بویه دانش پزشکی گسترش یافت و علمی بن عباس اهوازی معروف به مجوسی کتاب کامل‌الصناعه

را ندک‌مایه یافتند و از معالجه‌بار دارند. چشم‌پزشکی در آن زمان در شهرهای عمده بیمارستان‌هایی ایجاد شده بود. مقدسی حتی از وجود بیمارستانی در شهر امل خبر می‌دهد و می‌گوید این شهر بیمارستانی آباد داشته است. وی از وجود بیمارستانی در شیراز و وسایل مجهز، پزشکان حاذق، پرستاران و مواج‌بگیران آن خبر می‌دهد و می‌افزاید که بیمارستان موقوفات بسیار داشته است. بیمارستانی نیز در اصفهان وجود داشته که در آنجا امکان درمان مردم فراهم بوده و چنین می‌نماید که در بیمارستان‌های بزرگ معالجه‌مجانمی بوده است و حتی فقیران به هنگام مرضی، مدد معاش نیز دریافت می‌داشته‌اند.

اگرچه خبری از وجود بیمارستان در شهرهای ناحیه ایران به دست ما نرسیده ولی در بغداد به یقین وجود داشته است. گواهی جنون از سوی قاضی کشور صادر می‌شد. در سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک داستانی است که امکان سوءاستفاده قضات از این حق را نشان می‌دهد. نگارنده، این موضوع را در نوشتاری تفصیلی با نام «نگاهی گذرا به وضع بهداشت در شهرهای بزرگ ایران در سده‌های چهارم و پنجم» بررسی کرده است.